



علامه طباطبائی عدم اشتغال نفس به بدن را موجب اطلاع از غیب می‌داند

علامه طباطبائی آگاهی از غیب جهان را تنها منحصر در انبیا و اولیای الهی نمی‌دانست، بلکه در کتاب «رسالة الولاية» عنوان کرده که دیگران نیز می‌توانند ...

گروه اندیشه: علامه طباطبائی آگاهی از غیب جهان را تنها منحصر در انبیا و اولیای الهی نمی‌دانست، بلکه در کتاب «رسالة الولاية» عنوان کرده که دیگران نیز می‌توانند از غیب مطلع شوند، تنها به شرطی که نفسشان را تزکیه کنند، به گونه‌ای که دیگر نفس مشغول بدن نباشد.

قاسم علی کوچنایی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با اشاره به آثار و کتب نگاشته شده توسط علامه طباطبائی و نوآوری‌های فلسفی ایشان که در قبل سابقه نداشت، اظهار کرد: اگر آثاری که از مرحوم علامه طباطبائی باقی مانده همچون کتاب‌های «نهایه الحکمه»، «بدایه الحکمه»، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، «رسائل سبعة»، «تعلیقات علامه بر اسفار اربعه» و حتی تفسیر شریف «المیزان» بررسی شود، متوجه خواهیم شد که ایشان هم در بعد منطق و معرفت به ارائه نظریاتی پرداخته‌اند و هم در الهیات بالمعنی الاعم و فلسفه نظریات نویی دارند و هم در باب الهیات بالمعنی الاخص نظریات جدیدی را ارائه کرده‌اند.

کوچنایی با اشاره به آرای جدید و ابتکاری علامه طباطبائی در باب الهیات بالمعنی الاخص خاطرنشان کرد: علامه در رابطه با صفت بودن وجود برای واجب‌تعالی نقدی را بر نظر صدرالمتهلین وارد می‌داند، همچنین ایشان بر برخی از اشکالات صدرالمتهلین بر قول به «صور مرتسمه بر علم باری» که مخصوص مشائیان و ابن‌سینا است، نقدی را وارد می‌داند. همچنین علامه بر اشکالات ملاصدرا بر نظریه علم باری شیخ اشراق نیز نقدهایی دارد.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که ملاصدرا بر روش عرفا در راستای اثبات علم باری‌تعالی سخنی دارد که علامه بر سخن وی نقدی دارد، عنوان کرد: از دیگر نوآوری‌های علامه برهان جدید وی بر علم عنایی واجب‌تعالی است. همچنین علامه طباطبائی در باب ملاک انتشاع صفات فعلیه واجب‌تعالی نظر جدیدی ارائه کرده است و نقدی را بر نظریه صدرالمتهلین وارد می‌کند.

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات دانشگاه تهران با اشاره به تبیین فلسفی وجود خیر و شر در هستی ادامه داد: علامه طباطبائی در مورد بلايا و مصائب عمومی و همچنین استجاب دعا و اینکه از نظر فلسفی چگونه می‌توان نزول بلايا را توجیه کرد و یا حتی چگونه دعایی در عالم مستجاب می‌شود، تبیین فلسفی خاص و جدیدی را ارائه می‌کند.

وی با تأکید بر اینکه علامه طباطبائی همچنین در بحث اعتباریات و نفس‌الامر دیدگاهی مخصوص به خود را دارد، تصریح کرد: در مجموع می‌توان آرای فلسفی علامه را به دو صورت دسته‌بندی کرد، دسته نخست آرا و نظریاتی که بی‌سابقه بودند و برای اولین بار توسط علامه به آن اشاره شده است.

کوچنایی افزود: به عنوان مثال بحث ادراکات اعتباری برای نخستین بار توسط علامه مطرح شد، البته باید توضیح داد که در غرب دیوید هیوم به این مطلب پرداخته است، اما در میان فیلسوفان مسلمان علامه طباطبائی اولین کسی بود که بدون تأثیرپذیری از فلاسفه غرب و به صورت مستقل و تأسیسی به این بحث پرداخته است.

این محقق و پژوهشگر در ادامه گفت: کیفیت نیل ذهن به مفاهیم کلی و فلسفی، تشکیک در صفات و شئون ربوبی، نفی فاعل بالجبر و نفی فاعل بالغانیه، ارجاع علم حصولی به علم حضوری، برهان مفید یقین در فلسفه اولی که برهان اتی است نه لمی، همگی از نوآوری‌های علامه طباطبائی در علم فلسفه به حساب می‌آیند.

کوچنایی با اشاره به بخش دوم از آرای فلسفی علامه طباطبائی اظهار کرد: دسته دوم آرا و نظریاتی در فلسفه است که قبل از علامه نیز

سابقه داشته که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول آن‌هایی است که طرفدار و مدافعی ندارد، مانند بحث تشکیک میان واحد و کثیر که قبل از علامه مطرح بود که میان واحد و کثیر چه نوع تقابلی است، اما کسی تشکیک میان آن دو را مطرح نکرده بود.

وی در ادامه با بیان این‌که در فلسفه قبل از علامه طباطبایی تعداد اجزای قضیه مورد بحث بوده، اما آن‌گونه که علامه عنوان کرده کسی به این بحث پرداخته بود، خاطرنشان کرد: همچنین نفس‌الامر میان فلاسفه قبل از علامه طباطبایی مورد بحث بوده، اما ایشان به شیوه جدیدی به این بحث پرداخته است.

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات دانشگاه تهران افزود: از دیگر مواردی که قبل از علامه طباطبایی نیز محل بحث بوده، می‌توان به «#عوارض ذاتی علم خداوند مصداق اراده نیست» اشاره کرد، اما علامه نظر خاص خود را در این زمینه مطرح می‌کند. همچنین برهان صدیقین و تقریراتش مورد مناقشه فیلسوفان بوده و علامه طباطبایی تقریری جدید و مخصوص به خود در این زمینه ارائه می‌دهد.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که ارجاع صفات سبعة خداوند به علم، قدرت و حیات پیش از علامه طباطبایی نیز محل بحث بوده اما علامه نظریات جدیدی را در این زمینه مطرح می‌کند، عنوان کرد: دسته دوم از آرای فلسفی علامه طباطبایی نظریاتی است که قبل از ایشان نیز طرفدار و مدافع داشته که این طرفداران یا معین و مشخص بوده‌اند و یا خیر که علامه یا نظریات ایشان را می‌پذیرد و یا این‌که با ادله موجه آنها را رد می‌کند.

کوچنانی با تأکید بر اینکه از جمله مواردی که علامه طباطبایی به رد آنها پرداخته می‌توان به اقامه برهان بر انحصاری نبودن مقام ولایت اشاره کرد، گفت: علامه در «#رسالة الولایه» به بیان مطلبی می‌پردازد که خود در آنجا عنوان می‌کنند که این مطلب از اختصاصات این رساله و از مواهب خداوند سبحان در این نوشتار به‌شمار می‌آید.

وی با بیان این‌که آگاهی از غیب آیا تنها منحصر به انبیا و اولیای الهی است یا خیر، خاطرنشان کرد: علامه طباطبایی در این کتاب اذعان دارند که دیگران نیز می‌توانند همچون اولیا و انبیا از غیب مطلع شوند؛ تنها به شرطی که نفسشان را تزکیه کنند، به‌طوری‌که نفس مشغول بدن نباشد.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این‌که اگر نفس انسان تمرکز داشته باشد، در اثر ریاضات می‌تواند آنچه را که در غیب است، ادراک کند، اظهار کرد: نسبت عالم ماده به مافوق آن همچون نسبت معلول به علت یا مظهر به ظاهر است، حال اگر کسی به این مظهر علم پیدا کند، علم وی بی‌ارتباط با باطن عالم نیست.

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات دانشگاه تهران توضیح داد: بنابراین از طریق علم و آگاهی به ظاهر جهان می‌توان از باطن عالم اطلاع یافت؛ زیرا ظاهر و باطن حالت اضافه به یکدیگر دارند. علامه این مطلب را با شواهد قرآنی و روایی در رساله الولایه طرح می‌کند.